

نقطه نظر / سرمقاله

بازشناسی قابلیت‌های سنت در خلق آثار نو: پژوهش‌های رابط بین سنت و نوآوری

توصیف سنت‌های پیشین در شرق را در آثار بسیاری پژوهشگران می‌توان یافت. حال آن‌که امروزه بسیاری هنرمندان و آموزگاران هنر، از کنار این پژوهش‌ها می‌گذرند. حتی گاهی این پژوهش‌ها به امری جنبی در ارتقای علمی پژوهندگان بدل می‌شوند و در کتابخانه‌ها و پایگاه داده‌ها بایگانی می‌شوند. می‌توان گفت پژوهندگان از جهانی متفاوت می‌گویند و هنرمندان در جهانی متفاوت زیست می‌کنند. گسست از سنت در خلق آثار به‌اندازه‌ای است که نوآوری بدون توجه به پیشینه، اصلی نانوشتی در آموزش است؛ گاهی آموزگاران و هنرآموزان مطالعه تاریخ و نظریه‌های پیشین را امری جنبی و تشریفاتی می‌پندارند. از سوی دیگر همان آموزگاران بی‌توجه به چیستی سنت بر اصالت شرقی تأکید می‌ورزند بی‌آنکه منبعی برای هنرآموزان در اختیار قرار دهند. آموزگاران بر نوآوری تأکید می‌ورزند. نوآوری از هر نوع که باشد نیازمند واکنشی است به سنت‌های پیشین. در واقع هر اثر هنری واکنشی نسبت به سنت پیشین است و واکنشی را در آینده برمی‌انگیزد. خلق اثر بدون شناخت دستاوردهای پیشین یا منجر به تکرار ناآگاهانه سنت خواهد بود و یا نتیجه تصادف. پس برای عبور از سنت یا گسترش سنت باید آن را شناخت. اما چرا هنرمندان به دنبال پژوهش نیستند؟ به نظر می‌رسد حلقه گمشده در این میان پژوهش‌های رابط بین توصیف گران سنت و هنرمندان است. دسته‌ای از پژوهش‌ها باید سنت را باز تعریف و امکانات قابل گسترش آن را بازشناسند به‌طوری‌که برای هنرمندان استفاده از عناصر سنتی با شناخت دقیق از آن با امکانات امروز بتواند آثاری را خلق کنند. بدین ترتیب چند عرصه پژوهشی را باید مورد توجه قرار داد:

پژوهش‌های طبقه‌بندی شده در تبدیل عناصر سنتی به متون آموزشی: برای نمونه در مورد مد در موسیقی ایرانی و تحلیل ردیف پژوهش‌های شایسته‌ای انجام داده‌اند. اما نحوه به‌کارگیری آن‌ها در خلق آثار چند صدایی امروز را بررسی نکرده‌اند. یعنی کمتر به موضوع آهنگسازی معاصر بر اساس سنت پرداخته‌اند.

پژوهش‌های مبتنی بر زیبایی‌شناسی مخاطب: سوپرا ادراک سنت در مخاطب امروز با توجه به یک جامعه آماری کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. بسیاری پژوهشگران در توصیف هنرهای سنتی از مفاهیمی همچون حس وحدت و تداعی و جوه متکثر جهان سخن گفته‌اند ولی کمتر پژوهشی، جمعی از مخاطبان را مورد آزمایش قرار داده است. در موسیقی چندصدایی از مفاهیمی همچون اصالت یا حس آشناپنداری موسیقی ایرانی گفته‌اند ولی کمتر پژوهشی مخاطبانی را مورد آزمایش قرار داده است تا بررسی کند چنین مفاهیمی دریافت می‌شود و چرا؟

پژوهش‌هایی در جهت تدقیق مفاهیمی همچون اصالت، هویت و بحران هنر: به‌کارگیری واژگان بی‌توجه به افق معنایی دلالت آن‌ها موجب سردرگمی مخاطبان و حتی آموزگاران هنر شده است. تقریباً در دفاع یا رد نوآوری در آثار معیار مشخصی وجود ندارد. البته پژوهش‌های فلسفی در مورد آثار در غرب وجود دارند ولی زمانی که به مصداق‌های هنری در شرق یا آثار خلق شده مبتنی بر هنر شرق می‌رسیم، مفهوم اصالت و هویت تا اندازه زیادی نامفهوم است. در برخی جشنواره‌ها بر هویت شرقی اثر تأکید می‌ورزند که شاید برای خود پدیدآورندگان نیز چنین مفهومی در سایه‌ای از ابهام باشد. جان کلام آن‌که، جای خالی پژوهش‌هایی به منظور ایجاد ارتباط بین سنت و آثار امروزی احساس می‌شود تا بتوان متون آموزشی کاربردی پدید آورد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

حسین قنبری احمدآباد

استادیار گروه موسیقی، دانشکده‌های

زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

ghanbari.hosein90@ut.ac.ir

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to journal of Art and Civilization of the Orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله
قنبری احمدآباد، حسین. (۱۴۰۴). بازشناسی قابلیت‌های سنت در خلق آثار نو: پژوهش‌های رابط بین سنت و نوآوری. مجله هنر و تمدن شرق، ۱۳ (۴۸)، ۵.

DOI: 10.22034/jaco.2025.224045

URL: https://www.jaco-sj.com/article_224045.html

